

## "ما یک نفر نیستیم؛ ما هزارانیم!" ...

### تلاش مذبحخانه بستن وبلاگ ها

مهدی درایتی، حنیف مزروعی، بابک غفوری آذر، شهرام رفیع‌زاده، روزبه میرابراهیمی، امید معماریان و محبوبه عباسقلی‌زاده، از جمله روزنامه نگاران هستند که در موج جدید سرکوب رژیم در دهان بندزدن به روزنامه نگاران و نویسندگان، بازداشت گردیده اند. مقامات قضایی به احضار، تهدید و دستگیری روزنامه نگاران که "مشکوک" به همکاری با سایت ها هستند پرداخته اند. همچنین در چند هفته ی گذشته تعدادی از مسئولین و کارکنان شرکت های خدمات دهنده اینترنتی نیز دستگیر شده و مسئولان فنی و وب نگاران سایت های اطلاع رسانی و خانواده های آنها، پس از احضار و یا بازداشت شدیداً تحت فشار قرار گرفته و تهدید شده اند که در مورد بازداشت خود با هیچ کس سخن نگویند و به ویژه با سازمانهای مدافع حقوق بشر داخلی و یا خارجی تماس نگیرند.

کریمراد، سخنگوی قوه قضائیه در مصاحبه مطبوعاتی روز سه شنبه ۱۲ آبان درباره ی آمار دقیق سایت‌های بسته شده و افراد دستگیر شده، گفت: «از تعداد سایت‌های مسدود شده به طور کامل، اطلاع دقیقی ندارم اما اتهام پانزده نفر از افراد دستگیر شده امنیتی و هشت نفر دیگر اخلاقی است.»

حصارهای خونین استبداد که آزادی انسان را با هزار ترفند و ابزار به بند کشیده اند تا کجا خواهند توانست به این تلاش ارتجاعی خود ادامه دهند. آن گاه که کلام زاینده شد با خود هیچ اما و اگر را همراه نکرد. زبان به گردش درآمد تا آن چه را که به اندیشه نشسته است بعدی مادی دهد و گوش های شنوا را برای شنیدنش حساس نماید. ما به سخن درآمدیم تا آرزوهایمان را با شمایان در میان بگذاریم. ما به سخن درآمدیم تا بگوییم که چه می اندیشیم. رازهایمان را با صداها زبان و لهجه به نجوا درآوردیم تا باردیگر ثابت کنیم که ما انسانیم. می اندیشیم. اندیشه هایمان را به کلام

و نوشته درخواهیم آورد تا آگاهی را پاس داریم. اما این خواست ما را چگونه پاسخ دادند. آنانی که تمامی امکانات تحمیق و تبلیغ و ترویج را در دستان خود متمرکز کرده و با ده ها ابزار مطبوعاتی و اطلاعاتی امر سرکوب دگراندیشی را پیش می برند عاجز از کنترل اندیشه انسان ها، زندان و شکنجه و اعدام را در برابر ما قرار می دهند. می گیرند و می کشند. تهدید کرده و ترور می نمایند و همه چیز را می بندند. دهان بند تولید می کنند و با غل و زنجیر به جنگ آزادی می روند. اما این برف را هرگز سر بازایستادن نیست. قربانیان خود را به دوش می کشیم تا تعفن سیستم استبداد دولتی را بیشتر به مشام همگان برسانیم.

این استبداد در کشور ما متأسفانه هم رنگ شرقی دارد و هم به نحوست ارتجاع مذهب دولتی آلوده است و اتفاقاً به خاطر همین دو خصوصیتش بوی تعفنش بیشتر و قربانیانش هزاران هزار! جمهوری اسلامی نمونه مشخص از این دوهمگونگی ارتجاعی بوده و ننگین نامه ۲۵ ساله اش مملو از هرآنچه نامردمی است. جهالت و جنگ و جنایت در تاروپود آن، ساختار حکومتی اش را آرایش داده است. روزنامه ها را می بندد. آزادیخواهان را به بند می کشاند. هیچ صدایی نباید شنیده شود. روزنامه نگاران را از وظیفه اصلی شان که بیان حقیقت است با تهدید بازداشت و به زندان می افکنند. برای رژیم همه خطرناکند بخصوص آن دسته از کسانی که نتوان کنترلشان کرد. از این گروه به جز فعالین سیاسی که در پی سازماندهی تشکیلاتی برای پیشبرد فکر خود هستند در عرصه عمومی تر می توان به « وبلاگ نویسان » اشاره نمود. صفحات وبلاگی که آن قدر آمارشان بالاست که کنترل دولتی و سانسور، تنها چاره را در بستن و تهدید نویسندگان می بیند. محلی برای نوشتن هر آن چه که به نظر می رسد و هیچ مرز ممنوعه ای را بر نمی تابد.

تارنگاشت، وبلاگ، و یا هر نام دیگری که بر آن می نهیم وسیله ایست امروزی و گسترده برای بیان نظرات و اطلاع رسانی که به صداها نمونه از آن برای هر فردی که دسترسی به اینترنت دارد به سادگی امکانپذیر است. کافی است که در جستجوگر کامپیوتر اسم « وبلاگ » را تایپ کنیم تا لیست

بلندبالایی از مشخصات این وبلاگ ها را بدست آوریم. تارنگاشت، وبلاگ، بلاگ، newspage یک وب سایت شخصی یا غیرتجاری است که از یک فرم گزارش نویس تاریخ دار (که می تواند روزانه یا هرچند وقت یکبار باشد) استفاده می کند. تارنگاشت می تواند شامل اطلاعات جدید درباره یک موضوع خاص و یا چندین موضوع باشد که توسط گرداننده آن سایت نوشته یا از سایت های دیگر گردآوری گردد و یا با همکاری خوانندگان بوجود آمده باشد. تارنگاشت اساساً یک روزنگار online است که توسط یک (یا چند) شخص نگهداری می شود. مطالب تارنگاشت روی یک موضوع خاص متمرکز است و ارجاع (link) دادن به سایر وب سایت ها یا مقالات به همراه یک توضیح کوتاه یا فکاهی و یا حتی منتقدانه در باره آنها از خصوصیات تارنگاری است. نویسندگانش تاحدودی مشخصند و کسی که حتی خواننده نیمه پی گیر این وبلاگ ها باشد، نام حقیقی بیشتر نویسندگان آن را می داند.

موقعیتی که اینترنت عموماً و وبلاگ خصوصاً در شرایط کنونی جامعه ایران یافته، راهی بسیار مؤثر برای شکستن انحصار منابع آگاهی و گسترش شبکه تبادل اطلاعات، در سایه حکومتی که تنها کامیابی آن آسیب رسانی به فرهنگ است را باز کرده است. اگر نشریه و روزنامه در محاق توقیف قرار می گیرد و کتاب را سانسور و مجوزش را مصادره کنند، نویسنده را به زندان یا سرای دیگر بفرستند، هزار راه دیگر به لطف اینترنت گشوده شده که خوانندگان را بی ملات نخواهد گذاشت. در ایران از آنجا که وبلاگ نویسی به طرز شگرفی عمومیت پیدا کرده است، رژیم را به جایی کشانده که با دست زدن به اقدامات ایزدایی به قصد نابودی آن در هول و ولای عجیبی بیاندازد که اقداماتش بیشتر مهر تاییدی بر ناتوانی آنهاست. موج جدید سانسور سایت های اینترنتی دامنه اش آن قدر وسعت گرفته که رژیم با صرف بودجه های کلان و وارد کردن امکانات تکنولوژیکی امنیتی مدرن درصدد است که جلوی این کانال آزاد نشر افکار را سد نماید. بسیاری از وبلاگ نویسان را بازداشت و برخی را تهدید به امتناع از این کار نموده است.

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

### کمیته مرکزی سازمان انتخاب شد

همانگونه که در اطلاعیه برگزاری ششمین کنگره سازمان اتحاد فداییان خلق ایران اعلام گردید، بدلیل کمبود وقت و نبود داوطلب کافی برای عضویت در کمیته مرکزی، کنگره به هیات رئیسه ماموریت داد که ضمن اتخاذ تصمیم برای هماهنگی و پیشبرد وظایف فراروی سازمان، انتخابات کمیته مرکزی را ظرف سه ماه برگزار نماید. هیات رئیسه در زمان مقرر انتخابات را برگزار نمود و اعضای کمیته مرکزی از داوطلبانی که بیش از پنجاه درصد آرا را کسب کرده بودند، برگزیده شدند. حضور زنان در ترکیب کمیته مرکزی منتخب برای نخستین بار در حیات سازمان به چهل درصد اعضای آن رسید. افزون بر این شصت درصد آن از افرادی است که در کمیته مرکزی دوره پیش، عضویت نداشته اند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۸۳

۲۰۰۴/۱۰/۱۲

درمقابلت باز است. به همین خاطر هم هست که با عمومیت یافتن این امکان ارتباطی مهم و دسترسی هزاران هزار نفر به آن در ایران، تقابل با آن نیز فاز پیچیده تری را ایجاد نموده است. طراحان سانسور سایت های مهم و موثر اینترنتی، مانند طراحان جنگی عمل می کنند.

اما از آنجا که در وبلاگ، فاصله نوشتار تا انتشار، به چند ثانیه هم نمی رسد، توان سرکوب رژیم هم این امکان را ندارد که با چنین سرعتی به جنگ آنها برود. در وبلاگ همه آزادند هر چه می خواهند بنویسند و به هر گونه که می خواهند قلم بزنند. وبلاگ خودی و غیرخودی و خط قرمز را پشت سر نهاده است. با هر زبانی در آن مطلب نوشته می شود. زبان یکی ممکن است دشوار باشد، زبان دیگری ساده. یکی پر رمز و راز بنویسد و آن یکی بی پرده و برهنه. یکی نثری ملال آور و متکلف داشته باشد و دیگر روان و چابک. مهم نیست. آن چه مهم است شکستن جو اختناق و سانسور دولتی و سنت های ارتجاعی با نوشتن و نوشتن است. کاری که به همت هزاران نفر در ایران انجام می گیرد.

ضروری است برای مقابله با این سانسور در کنار روش های فنی و ابتکاری، با تمام نیرو افکار عمومی جهان را هرچه بیشتر متوجه سرکوب و سانسور در ایران نماییم. در مقابل دستگیری نویسندگان و وبلاگ نویسان و جلوگیری از قلع و قمع گسترده روزنامه نگاران باید با تمام امکاناتمان رژیم را تحت فشار افکار بین المللی به عقب نشینی واداریم.

حالت تهیه نرم افزارهایی برای این کار هستند و در صورتی که این نرم افزارها به انتظارات ما پاسخ دهند، این استراتژی را به اجرا در خواهیم آورد. هر چند تاکنون در فیلترینگ پیشرفت خوبی داشته ایم اما هنوز کافی نیست و امیدواریم تا پایان سال بتوانیم بدون کم شدن سرعت و کیفیت در ارتباط با شبکه اینترنت، فیلترینگ قوی اجرا کنیم. تصمیم گیری در مورد اینکه کدام سایت باید مسدود شود در کمیته سه نفره ای که زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت می کند، انجام می شود. ما صرفاً مجری توسعه شبکه دیتا هستیم و در این زمینه دخالتی نمی کنیم.»

اما باوجود این تمهیدات و صرف هزینه وزارت اطلاعات و نهادهای سرکوبگر رژیم، اما این ابزار فرهنگی همچنان خاری در چشم حکومتگران اسلامی است

در گذشته مقابله با سانسور اخبار و اطلاعات نیاز به روش های پیچیده و فنی نداشت. برای مثال سانسورچیان شاه، برای جلوگیری از شنیده شدن صدای نیروهای اپوزیسیون، ورود رادیوهای موج کوتاه را به ایران ممنوع کرده بودند. اقدامی درحد خود احمقانه که از ذهن ساواک می گذشت. کار را به جایی رسانده بودند که حتی داشتن رادیوی دارای موج کوتاه خود جرم بود و در پرونده ساواک از جمله موارد اتهامی نوشته می شد. ولی وضع امروز به طور کامل دیگر شده است کفایت که امکان دسترسی به کامپیوتر و اینترنت را مهیا نمایی. آن گاه به هر نسبتی که خواهان درگیر شدن در مسائل باشی راه

سال گذشته وزارت اطلاعات اعلام کرده بود با خرید تجهیزاتی به ارزش سه میلیارد تومان از آمریکا دسترسی کاربران به سایت های غیرمجاز اعم از ضد اخلاقی و ضد مذهبی را غیر ممکن خواهد کرد. در این باره در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که محمد خاتمی ریاست آن را بعهده دارد ایجاد نقطه تماس بین المللی (ای. اس. پی) در انحصار دولت قرار گرفته و بر اساس آن شرکت های اینترنتی موظف شده اند که از نشر مطالب الحادی!!! و مخالف موازین اسلامی، اهانت به دین اسلام و مقدسات و اشاعه و تبلیغ گروه ها و احزاب غیرقانونی جلوگیری کنند. خاتمی در این مورد عنوان کرده است که: "در مسایل فرهنگی لازم است مرکزی به عنوان فصل الخطاب وجود داشته باشد تا دستگاه ها تکلیف خودشان را بدانند و بر طبق نظر امام خمینی باید به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی ترتیب اثر داده شود."

در همین ارتباط کمیته ای سه نفره، متشکل از نمایندگان صدا و سیما، وزارت ارشاد و وزارت اطلاعات، از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی مامور نظارت بر فعالیت های اینترنتی شد. وظیفه این کمیته شناسایی سایت های غیرمجاز و ارایه فهرست آنها به وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات است که کار فیلترینگ را بر عهده دارد. با آغاز فعالیت این کمیته، سال گذشته مسدود کردن سایت های اینترنتی شدت گرفت و وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات به فیلترگذاری سایت ها پرداخت. در این میان سایت هایی نظیر رویداد و امروز هم، که وابسته به اصلاح طلبان دولتی می باشند نیز مسدود شد و دستگاه قضایی به برخورد با افرادی پرداخت که با این سایت ها همکاری داشتند یا مطالبشان را در وبلاگ های شخصی منتشر می کردند. احضار علیرضا علوی تبار از سوی قوه قضاییه به عنوان مسئول سایت امروز و بازداشت سینا مطلبی از جمله اقدامات قوه قضاییه در این دوره بود.

«رضا رشیدی» مدیر عامل شرکت دولتی ارتباطات داده ها از چگونگی جلوگیری از کار سایت ها چنین می گوید: «استراتژی جدید فیلترینگ در صورت فراهم شدن امکانات نرم افزاری به اجرا در خواهد آمد. بر اساس این استراتژی، نرم افزارهای فیلترینگ در سطح واحدهای ISP نصب خواهد شد، هزینه این نرم افزارها برای هر واحد ISP بین یک تا سه میلیون تومان است. دو سه شرکت داخلی در